

از منظر نزاع تا منظر دفاع مفاهیم و گونه‌های پیوند منظر با جنگ*

چکیده | جنگ و نزاع بخش تاریک و تلخ تجربه بشری است که تلاش‌ها برای اجتناب از آن برخی مواقع غیرممکن بوده است. این نوشتار با نگرشی متنی به پدیده جنگ، منظر را از صرف قرارگاهی برای تحقق آن به مثابه محصولی برای درک واقعیت جنگ و انتقال تجارب و مفاهیم موجود در آن تلقی می‌کند. به این ترتیب، این نوشتار با مطالعه ادبیات موضوع حوزه منظر جنگ، با ایجاد تمایز میان دو مفهوم «جنگ» و «نزاع»، این فرضیه را مطرح می‌کند که در رابطه‌ای دیالکتیکی میان منظر و نزاع، در شرایط مختلف، گونه‌هایی از «منظر نزاع» تولید و بازتولید می‌شود که برخلاف دیگر دسته‌بندی‌های موجود، فرایند محور بوده و به همین سبب تعریف پذیرتر و قابل ارزیابی‌تر است. با این رویکرد رابطه منظر و نزاع طبقه‌بندی شده، دسته‌بندی جدیدی در حوزه رابطه منظر و جنگ ارائه و سه‌گونه منظر نزاع شامل «منظر نزاع پیشا-جنگ»، «منظر نزاع حین جنگ» (منظر جنگ یا منظر کارزار)، «منظر نزاع پسا-جنگ» معرفی می‌شود. دو نکته اساسی در این طبقه‌بندی یکی، مفهوم «ارزش منظر» در شناسایی و حفظ مناظر نزاع است که فهم آن نیازمند نگرش‌های متنی و میان‌رشته‌ای است و دیگری «قابلیت تغییرپذیری» این مناظر جهت تبدیل شدن از یکی به دیگری است که توجه به وضعیت نهایی منظر و پایش مستمر آن را طلب می‌نماید. در حالی که منظر نزاع پیش و حین جنگ با حذف عامل بیرونی نزاع، شکل اولیه خود را به دست می‌آورند و یا به عبارتی «تولید» می‌شوند، منظر نزاع پسا-جنگ با حذف آن عامل، خلق شده و به انجا و اشکال گوناگون ادبی، سینمایی، شهری، خاطره‌ای و مانند آن «بازتولید» می‌شود.

واژگان کلیدی | منظر نزاع، منظر دفاع، گونه شناسی، دفاع، جنگ.

علی اسدپور
دکتری معماری، دانشگاه هنر
شیراز.

asadpour@shirazartu.ac.ir

مقدمه |

«اگر ساختار جنگ^۱ موضوعی زمینه‌ای^۲ است، پس منظر باید چیزی بیش از «قرارگاه^۳» چنان خشونت‌ی باشد» (Snead, 2008). از این رهگذر است که جوانب مختلف نزع^۴، از شهری گرفته تا نظامی، در مقیاس محلی تا بین‌المللی و در زمان معاصر یا رخدادی تاریخی، بسیاری از تخصص‌ها را شامل می‌شود. درک متخصصان گوناگون از «نزع» و از «منظر» متفاوت است با این حال تمایز تاریخی میان «فرهنگ» و «طبیعت» دوگانگی قابل تشخیصی است که می‌تواند در همه آن‌ها ردیابی شود. به‌طور کلی این دو مفهوم در پاره‌ای مواقع رو در روی یکدیگر قرار می‌گیرند. این موضوع برای دهه‌ها مورد مناقشه بوده اما آن‌چنان که «سیمون شامه^۵» نقل می‌کند «منظرها فرهنگی هستند قبل از آنکه طبیعی باشند؛ آن‌ها ساختارهای تصور یافته‌ای هستند که در چوب، آب و صخره نقش گرفته است» (Adderley & Mills, 2014). این نوشتار در پی بررسی مفهوم منظر نزع و مراتب آن است تا بر اساس آن بتواند چارچوب اولیه‌ای برای گونه‌شناسی و جریان‌شناسی پژوهش‌های بعدی ارائه دهد. به همین دلیل میان «منظر نزع»، «منظر دفاع» و «منظر جنگ» تمایز قائل شده و می‌کوشد مرزهای ضمنی و ذهنی آن‌ها را روشن و همپوشانی آن‌ها را مشخص سازد.

میان «منظر نزع» و «منظر جنگ» تفاوت وجود دارد و از این رو می‌بایست آن دو را مجزا بررسی نمود. نزع، صرفاً محدود به تقابل نظامی رو در روی طرفین نیست و به همین سبب منظر نزع به خود «کارزار» محدود نمی‌شود. گونه‌شناسی پیشنهادی در این نوشتار مبتنی بر فرآیند شکل‌گیری منظر، نوعی دسته‌بندی «فرآیند محور» میان منظر و نزع ترسیم می‌نماید که در شرایط مختلف، گونه‌هایی از «منظر نزع» را تولید و بازتولید می‌نماید. فرضیه کنونی این مبنا را دارد که برخلاف دیگر دسته‌بندی‌های موجود، گونه‌شناسی فرآیند محور، تعریف‌پذیرتر و گونه‌های آن قابل ارزیابی‌تر هستند.

روش پژوهش

این پژوهش از راهبرد کیفی در رویکردی استنتاجی بهره می‌برد. داده‌های موجود از منابع مکتوب اخذ شده و پس از طبقه‌بندی، تحت عناوین نوینی برچسب‌زنی و درنهایت مبانی پایه برای طبقه‌بندی پیشنهادی فراهم می‌گردد.

گونه‌شناسی پیوند میان منظر و جنگ واژه نزع در زبان انگلیسی به معنی کشمکش، مخاصمه و درگیری است که ریشه‌ای یونانی دارد. سابقه کشمکش و مبارزه را می‌توان از نزاع‌های دوره دیرینه‌سنگی تا امروز مشاهده کرد. واژه نزع هم اسم و هم فعل است و به ایده‌ها، علایق و عدم توافق و تناقض‌ها مربوط می‌شود. درحالی‌که جنگ، مرحله نزع مسلحانه میان جوامع است. جنگ برخلاف انواع دیگر مبارزه، نیازمند دشمنی فعال و سازمان‌یافته و متضمن اقدام متقابل و ارادی طرفین است. جنگ پدیده‌ای جمعی و اغلب در خدمت منافع یک دسته سیاسی است؛ و درنهایت جنگ دارای ویژگی‌های حقوقی است که به‌واسطه قواعدی رسمی یا عرفی اداره می‌شود (گاستون، ۱۳۸۷). بدین سان «جنگ می‌تواند نزع هم‌زمان میان نیروهای مسلح، احساسات مردمی، تعصبات حقوقی و فرهنگ‌های ملی تلقی شود» (بوتول و گاستون، ۱۳۶۸ برگرفته از مظلوم خراسانی، ۱۳۸۹، ۱۷۳).

هنگامی که به موضوع نزع با نگاه منظرین نگریسته شود، خوانش آن با چالش‌هایی مواجه می‌گردد. با بررسی ادبیات موجود در این حیطه می‌توان نوعی تبارشناسی کلان اولیه را پیشنهاد نمود؛ در این منابع دو جریان اولیه از «منظر نزع» قابل‌شناسایی است؛ منظر می‌تواند در برخی موارد «علت» نزع و در پاره‌ای دیگر «معلول» آن باشد. تلاش جوامع در برخورداری از منابع و موقعیت‌های طبیعی بهتر، بیشتر و مناسب‌تر درنهایت منظر را به علت بسیاری از رقابت‌ها و نبردهای تاریخی و معاصر بدل نموده است. از سوی دیگر «این استدلال که منظر، مؤلفه‌های اجتماعی نبرد را نیز تعریف می‌نماید، می‌تواند گامی فراتر برداشته و این‌گونه بیان شود که منظر معانی^۶ به‌خودی‌خود می‌تواند موضوع رقابت^۷ باشد» (Snead, 2008). بنابراین ویژگی‌های عینی و ذهنی موجود در منظر می‌تواند علت شکل‌گیری منظر نزع تلقی شود. از طرف دیگر منظر می‌تواند همچون بستری باشد که تأثیرات ناشی از کنش و واکنش‌های نزع در آن رخ داده و چهره و ماهیت آن را دگرگون و یا متأثر نموده است. از این رهگذر منظر معلول فرآیند نزع است. اما درواقع تجربه بشر نشان می‌دهد که وجود هم‌زمان هر دو حالت نیز دور از ذهن نیست. یک منظر می‌تواند «هم علت و هم معلول نزع» باشد. در این حالت مفهوم منظر «پیش» و «پس» از نزع باهم یکسان نیست. اقدامات پشتیبانی، احتیاطی، دفاعی، اجتماعی، فرهنگی و

قرارگیری بخش‌های سکونت‌ی و ریخت‌شناسی شهری نیز خود را نشان می‌دهد. علاوه بر این می‌تواند در مقیاس فردی، سربازان و مردم درک و تعریف شود. منظر سوگواری و یادبود برای رویدادهای نظامی گذشته هم می‌تواند منظر نظامی خوانده شود (Woodward, 2014).

منظر نظامی مجازی: این گونه، حاصل بازنمایی منظر در بازی‌های رایانه‌ای و ویدئویی است که در واقع تداوم رویکردهای سنتی در تحلیل منظر هستند که آن را در بازنمایی‌ها و بازسازی‌ها می‌توان جستجو نمود (Hoglund, 2008). مشاوران نظامی و تصاویر غیرواقعی فراوانی از مناظر نظامی به سبب بازار تجاری وسیع، درگیر منظر نظامی مجازی شده‌اند. این موضوع، بازنمایی اخبار رویدادهای نظامی و ساخت اخبار چندرسانه‌ای به وسیله رندرها، رایانه‌ای را نیز شامل می‌شود (Woodward, 2014).

منظر شبه‌نظامی: نیروهای نظامی غیردولتی و نیروهای امنیتی خصوصی در ۲۰ سال اخیر نوعی منظر نظامی ایجاد نموده که می‌تواند شامل تغییرات مشهود در قرارگاه‌های نظامی، خوابگاه سربازان و محوطه‌های آموزشی باشد. منظرها در چنین مواردی بر مدیریت دفاع محیطی رژیم‌های غیرنظامی تأثیرگذار هستند (ibid). نیروهای شبه‌نظامی نیز در این میان وجود دارند که نه برای دولت مرکزی که علیه آن کار می‌کنند. اینکه این نیروها با توجه به ساختار، تاکتیک نبرد و موقعیت جغرافیایی خود، چگونه از منظر نظامی تمیز داده می‌شوند، موضوع پرسش‌های جدیدی هستند که پیش روی است.

منظر پسا- نظامی: منظرهایی هستند که امروزه کارکرد نظامی ندارند اما آثار عملکرد نظامی آن‌ها باقی مانده است. تلاش برای استفاده مجدد از آن‌ها در طراحی موزه‌های فضای باز، محوطه‌های بازی و پارک‌ها در جهان دیده می‌شود. سرپناه‌ها، گودال‌های ناشی از انفجار مین‌های بزرگ، مخازن و مانند آن‌ها که از جنگ جهانی اول برجای مانده در فرایند طراحی به دریاچه و جاذبه‌های گردشگری و تفریحی تبدیل شده‌اند^{۱۳}، یا به مراکز فرهنگی (Lisa, 2012) و محلی برای بازی‌های جنگی شهروندان اختصاص یافته‌اند.

منظر تدافعی^{۱۴}: «این مناظر نظامی^{۱۵} هم به دلیل طبیعت جغرافیایی و فیزیکی خود که در برخی موارد به یافتن موقعیت مناسب دفاع می‌انجامد و هم به سبب تجربه‌ای که مردم ساکن

حتی تبلیغی بخشی از منظر نزاع هستند که بر منطقه وسیعی از جغرافیای منظر مؤثرند.

در دهه‌های اخیر مجموعه تعاریف و دسته‌بندی‌هایی حول منظر و جنگ شکل گرفته که عبارت‌اند از:

منظر نزاع: در جریان برپایی اجلاسی در سال ۲۰۱۳ در اسکاتلند^{۱۶}، به صورت محتاطانه‌ای سه دسته «منظر نزاع» شناسایی شده است: الف) منظر نزاع ناشی از نیاز جوامع به دسترسی به منابع. در اینجا ایده منابع از منابع سنتی (مانند آب و مواد معدنی) به سمت منابع زیرساختی مانند نواحی باز مورد استفاده جهت تأمین انرژی باد نیز تسری یافته است. در این دسته، مفهوم حقوق و منافع نیز مطرح است که بیشتر ناشی از نگرشی باستانی در تلقی منظر به مثابه اجتماع است. در این دیدگاه حق مردم محلی در گردآوری میوه‌های وحشی در سوئد و یا مزیت استفاده از انرژی زمین‌گرمایی و یا منابع آب پاکیزه در آسیای جنوبی مهم هستند. ب) منظر نزاع ناشی از موضوعات مرتبط با هویت فرهنگی، میراث و «مکان» مرتبط با منظر. در این دسته میراث نبردهای قرون وسطی و میراث برجای مانده ناشی از جستجوی زغال سنگ و معادن در گذشته مؤثر می‌باشند. ج) تأثیر نزاع نظامی بر منظر، خواه به‌طور مستقیم و خواه در حین فعالیت‌های متنوع فرعی ناشی از مونتاز، آموزش و گسترش قدرت نظامی که این موارد خود الزاماً موضوع نبرد نیستند. خوابگاه ارتش بریتانیا در جریان جنگ سرد نیمه دوم قرن بیستم در منطقه «رین»^{۱۷} Rhine بخش‌های فراموش‌شده‌ای از تاریخ و منظر نزاع هستند. نمونه فراموش‌شده دیگر تأثیری است که زیرساخت‌های نظامی بر میراث ساخته‌شده و مناظر کشور خود داشته‌اند (Adderley & Mills, 2014).

منظر نظامی^{۱۸}: اینکه دقیقاً چه مواردی منظر نظامی را تشکیل می‌دهد، موضوع بحث‌برانگیزی است. مبنای این نام‌گذاری، تعریف مشخصی از منظر است که به واسطه ساختار و ویژگی‌های بیانی خود، بازتاب‌دهنده اثرات فعالیت‌های نظامی، نظامی‌گرایی^{۱۹} و نظامی‌سازی^{۲۰} است. منظر نظامی، نام‌آنوس و غریب بوده و می‌تواند در مناظر پیچیده و دارای روابط درونی متعدد، بازتاب‌دهنده الزامات نظامی برای تصاحب زمین، فضایی برای آزمایش تسلیحات و بازنمایی حریم هوایی باشد (Flintham, 2012). همچنین منظر نظامی، منظر ساختارهایی است که در برتری‌های نظامی در قالب فرم‌های شهری، طرز



جدول ۱: منظر تدافعی، تنوعی از تدابیر ضد حمله خطی در نوار ساحلی بریتانیا در ۱۹۴۴، تأثیری ژرف بر منظر و جمعیت ساکن داشته است. مأخذ: Newsome, 2003.

پرتغال مصادیق فراوانی دارد. قلاع نظامی و سکونت‌دهی در ایران کهن نیز به کرات در نقاط سوق‌الجیشی طبیعی ساخته شده‌اند که بقایای بسیاری از آنان هنوز پابرجاست؛ اما راهبرد نظامی دفاع در دوره مدرن بر کنترل یا ممانعت از جابجایی مردم در منظر به واسطه مانع‌گذاری غیرفعال^{۱۶} و تسلیحات نظامی استوار بود. در این دیدگاه جنگ نه در فضاهای باز وسیع و قلمروی پهناور که در اهداف منفرد (مکان‌های خاصی در منظر که می‌بایست کنترل شده و یا از دسترس دشمنان خارج شوند) تعریف می‌شود. به‌عنوان مثال وجود تهدید حمله آلمان نازی به کرانه‌های شرقی و جنوبی بریتانیا در جریان جنگ جهانی دوم عاملی بود که ساخت شبکه‌ای خطی از تأسیسات

در آن نواحی دارند، شایان توجه هستند» (Larsen, 2004). منظر دفاعی نتیجه تغییر منظر برای ایجاد برنامه‌های دفاعی در زمین است که شامل منظر نزاع نظامی و دیگر انواع نزاع هست اما شامل فعالیت‌های نظامی در بسترهایی که نزاع وجود ندارد، نمی‌گردد (Philo, 2012). یکی از مشکلات موجود در رویکردهای سنتی به مطالعه راجع به استحکامات اوایل دوره مدرن این است که نسبت آن با منظر پیرامون همیشه در نظر گرفته نمی‌شود که این موضوع شکست نگاه‌های غیرنظامی وابسته به این ساختارها را در پی دارند (Portocarrero, 2011). قلعه‌ها و استحکامات نظامی وابسته به آن‌ها در کشورهای گوناگونی مورد استفاده بوده‌اند. این موضوع به‌ویژه در کشور

درگیری است که می‌توان آن را «منظر نزاع حین جنگ» نامید. به این ترتیب سایر گونه‌های پایه قابل‌شناسایی و طبقه‌بندی هستند. این گونه‌شناسی پیشنهادی از این نظر مهم است که در برخی موارد به هر دلیلی ممکن است نزاع متوقف‌شده و در نتیجه منظر در وضعیت معینی رها شود که در این حالت منظر نیازمند شناسایی و ارزش‌گذاری است. آنچه سبب غفلت پژوهشگران از میراث منظر نزاع شده نیز در همین شیوه «ارزش‌گذاری» منظر نهفته است، شیوه‌ای به‌صورت قابل‌پیش‌بینی بر منظر نزاع حین جنگ و پسا-جنگ توجه داشته و منظر نزاع پیشا-جنگ و منظر تدافعی را کمتر در نظر گرفته و برای حفاظت و پاسداشت آن همت کم‌تری گماشته است. به این ترتیب این نوشتار با توجه به کاستی‌های موجود در شیوه‌های رایج تعریف و ارزش‌گذاری منظر جنگ، گونه‌شناسی‌ای را به ترتیب زیر پیشنهاد می‌دهد: الف) منظر نزاع پیشا-جنگ : منظر پیش از جنگ می‌تواند

ضد حمله را در نوار ساحلی تحت عنوان «نوار توقف»^{۱۷} به وجود آورد (تصویر ۱). این شبکه تدافعی شامل سنگرهای بتنی، توپخانه‌ها، سییم‌های خاردار و پناهگاه‌های ضدتانک به سرعت در سال ۱۹۴۰ ساخته شدند، تأثیرات شگرفی بر منظر ساحلی داشته و بقایای پراکنده آن هنوز در ساحل بریتانیا گسترده‌اند که نیازمند اقدامات باستان‌شناسی به همراه کاوش در تاریخ شفاهی مردم است (Newsome, 2003).

گونه‌شناسی پیشنهادی در دیالکتیک منظر و نزاع «منظر نزاع» مفهوم وسیعی است که در خود دست‌کم سه دسته منظر شامل «منظر نزاع پیشا-جنگ»، «منظر نزاع حین جنگ (منظر جنگ)»، «منظر نزاع پسا-جنگ» را دربر دارد. اگر کشمکش طرف‌های درگیر به رویارویی فیزیکی و درگیری نظامی منتج شود آن هنگام «منظر جنگ» شکل خواهد گرفت. شکل‌گیری منظر جنگ در نقطه‌نهایی و اوج



تصویر ۲: نمونه‌هایی از منظر نزاع حین جنگ در هشت سال جنگ تحمیلی ایران و عراق در مناطق عملیاتی. مأخذ: <http://fararu.com>.

است و در کارزار جنگ واقع نشده با منظر نزاع پیش از جنگ تفاوت دارد اما زیرمجموعه آن تلقی می‌شود. (ب) منظر نزاع حین جنگ (منظر جنگ): این منظر که می‌تواند «منظر کارزار» نیز خوانده شود، در وضعیتی رخ می‌نماید که در ظرف تأثیرگذاری مستقیم پدیده جنگ و متأثر از کنش‌ها و واکنش‌های متقابل طرفین شکل یافته باشد. منظر جنگ تا زمانی که خود جنگ ادامه داشته باشد هنوز پابرجاست (تصویر ۲). دیوار حائل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین نمونه‌ای از منظر شهری جنگ است که نزاع تاریخی میان دو طرف را در دو سوی خود همچنان حفظ می‌کند. دیوار برلین به‌عنوان نماد اصلی جنگ سرد نیز که در ۱۹۶۱ ساخته شده و در ۱۹۸۹ از میان رفت نیز نوع دیگری از منظر جنگ در محدوده شهرها بود که نه تنها به تقسیم‌بندی اجتماعی و فیزیکی شهروندان انجامید بلکه تضاد و تعارض دو اندیشه سیاسی را نیز دربر داشت.

هم در نواحی پشتیبانی و هم اندکی پیش از مخاصمه وجود داشته باشد. این منظر اغلب حدودی از محدوده جنگ را در بردارد که به منطقه جنگی شناخته می‌شوند. در همین نواحی است که قوانین و الزامات نظامی جنگ حکم‌فرما است و منظر تحت تأثیر آن دگرگون می‌شود. این محدوده با کارزار جنگ متفاوت است هرچند می‌تواند به آن بدل شود. سنگربندی‌ها، تونل‌ها و مستحذات زیرزمینی-دغنی و شیوه‌های پدافند غیرعامل در این مناطق، از منظر و خصوصیات طبیعی و توپولوژیکی آن به‌عنوان فرصتی جهت پشتیبانی از نبرد استفاده می‌نمایند. تغییراتی که به‌واسطه جنگ در منظر شهرهای منطقه رخ می‌دهد نیز بخشی از این منظر شهری نزاع پیشا-جنگ هستند. تبلیغات محیطی، رویدادهای اجتماعی و مراسم و آیین‌های مرتبط بخشی از این‌گونه منظر در شهرها و روستاها هستند. منظر تدافعی از این نظر که اغلب در مناطقی قابل مشاهده است که به سرزمین مادری نزدیک‌تر



تصویر ۳: طبیعت، شهر و انسان در منظر جنگ، آزادی خرمشهر در سال ۱۳۶۱. مأخذ: <http://www.farhangnews.ir>.



تصویر ۳: دیوار برلین در هنگام ساخت و پس از ویرانی به‌عنوان نمونه‌ای از منظر شهری نزاع حین جنگ که به منظر نزاع پسا-جنگ تبدیل شده است.
 مأخذ: <http://lordsofuniverse.com>; <http://www.ottawacitizen.com>

که تحت عنوان راهیان نور هرساله مورد بازدید شهروندان سراسر کشور قرار می‌گیرد نمونه‌ای از این نواحی هستند که می‌توانند به‌عنوان سایت موزه نیز به‌نوعی تعبیر شوند. منظر پس از جنگ، خاطرات عمومی و مشترک شهروندان را نیز شامل می‌شود (Muzaini & Yeoh, 2005). وضعیت درختان به‌عنوان نشانه‌ای از جنگ در نوشته‌ها، خاطرات، عکس‌ها و پوستره‌های جنگ جهانی دوم و همچنین تابلوهای گرافیکی برای جلوگیری مردم از نزدیک شدن به محوطه‌های مین‌گذاری شده برجای مانده^{۱۸}، همگی بازنمایی‌هایی از منظر نزاع پسا-جنگ هستند.

بخشی از منظر تاریخی و یا منظر فرهنگی شناخته شده است. اما منظر نزاع خود گونه مستقلی از منظر می‌تواند شناخته شود که با گذشته، حال و آینده بشر عجین شده است. دو موضوع مهم ولی مغفول مانده در درک منظر نزاع حائز اهمیت هستند؛ نخست شیوه «ارزش‌گذاری منظر نزاع» است که نیازمند نگرش‌های متنی و میان‌رشته‌ای است که به درک و حفظ ارزش‌های موجود در آن منتج خواهد شد و دیگری، «قابلیت تغییرپذیری» این دسته از مناظر جهت تبدیل شدن از

منظر نزاع پسا-جنگ: منظر پسا-جنگ، منظری است که تحولات آن به سبب اتمام عامل بیرونی (جنگ) متوقف شده است (تصاویر ۳ و ۴). این منظر به یادمان‌های جنگ بدل شده و پاره‌ای از آن به‌عنوان اسنادی واقعی برای انتقال به آینده حفظ می‌شوند. این مناظر در ظاهر بخشی از ویرانه‌های ناشی از جنگ تلقی می‌شوند که بخش عمده‌ای از آن‌ها به‌ویژه در مناطق شهری در فرآیند بازسازی نواحی جنگ‌زده، از میان رفته‌اند اما به مرور زمان این مناظر به سبب ماهیت روایی^{۱۸} خود شاهدی بر رخداد جنگ دانسته شدند که ارزش انتقال به آینده را دارد. مجموعه مناطق جنگی در کشور

نتیجه‌گیری | واژه‌شناسی منظر نظامی و جنگی تکثر فراوانی دارد که از ادبیات روبه‌رشدی در پژوهش‌ها حکایت می‌کند. در بیشتر موارد عدم توافق بر شیوه به‌کارگیری واژه‌ها، ابهاماتی در معانی مترتب بر مفاهیم ایجاد کرده است. در این نوشتار با تمیز میان نزاع و جنگ تلاش شده تا بخشی از این ابهامات برطرف شود. در تعاریف مختلف، منظر نزاع شامل چهار گونه منظر است که مبتنی بر تحقق امر بیرونی «نزاع» و «جنگ» تعریف می‌شود. این گونه منظر (به‌ویژه منظر تدافعی) در پاره‌ای موارد

که به انحا و اشکال گوناگون ادبی، سینمایی، شهری، خاطره‌ای و مانند آن «بازتولید» شود. به عبارتی منظر نزع پسا- جنگ می‌تواند پس از حذف عامل جنگ و نزع در قالب‌های مختلف و مدیوم‌های گوناگون به حیات و اثربخشی خود ادامه دهد و نمونه‌هایی از آن جریان‌ها و سبک‌های هنری را ساخته و چهره شهرها را از طریق گرافیتی، نقاشی دیواری و مجسمه‌ها تغییر داده و با تغییر اسامی معابر، میدان‌ها و جریان‌های شهری و یا برپایی مراسم و رویدادهای مختلف، در خاطره شهر نقش‌آفرین باشند. به این ترتیب، همه انواع «بازتولید» منظر نزع، بخشی از منظر نزع پسا- جنگ خواهند بود.

یک‌گونه منظر نزع به گونه دیگر است. به‌عنوان مثال منظر نزع حین جنگ می‌تواند به منظر پسا- جنگ بدل گردد و یا منظر نزع پسا- جنگ ممکن است در فرآیند تکامل و تحول خود همه گونه‌ها را تجربه نماید. از این نظر وضعیت نهایی منظر ملاک تشخیص خواهد بود. اما از آنجاکه منظر پدیده‌ای پویا و در حال تحول است، بنابراین «پایش مستمر» منظر جهت هرگونه اقدام لازم برای حفظ این مناظر ضروری است. نکته دیگر به وضعیت تولید و بازتولید منظر نزع بازمی‌گردد. درحالی‌که منظر نزع پیش و حین جنگ با حذف عامل بیرونی نزع شکل اولیه خود را به دست می‌آورد و یا به عبارتی «تولید» می‌شود، منظر نزع پسا- جنگ با حذف آن عامل، علاوه بر تولید امکان آن را دارد

پی‌نوشت

- * این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی با عنوان «جنگ و منظر شهری» است که در پژوهشکده نظر به انجام رسیده است.
- ۱- war
۲- Contextual
۳- Setting
۴- Conflict
۵- Simon Schama
۶- landscape of meaning
۷- competition
۸- 'Landscapes of Conflict', conference takes place at the University of Stirling on June 8 and 7, 2013.
۹- Military Landscape
- ۱۰- Militarism
۱۱- Militarization
۱۲- <http://www.greatwar.co.uk/battleremains/battleremainswesternfront.htm>
۱۳- Defensive Landscape
۱۴- Military Landscape
۱۵- passive obstacles
۱۶- Stop Line
۱۷- narrative
۱۸- <http://www.landscapesatwar.eu/2015/04/27/treessymbolsofthewar--/disabled>

فهرست منابع

- Adderley, P., & Mills, C. (2014). Landscapes of Conflict. *Landscapes*, 15(2): 98-102. doi:10.1179/1466203514Z.00000000027
- Larsen, S. E. (2004). Landscape, Identity, and War. *New Literary History*, 35(3): 469-490.
- Muzaini, H. & Yeoh, B. S. A. (2005). War landscapes as 'battlefields' of collective memories: reading the Reflections at Bukit Chandu, Singapore. *Cultural Geographies*, 12(3): 345-365.
- Newsome, S. (2003). The Coastal Landscapes of Suffolk during the Second World War. *Landscapes*, 4(2): 42-59.
- Portocarrero, G. (2011). Coastal defence systems in Arrábida, Portugal, during the early modern era: power and landscape. *Post-Medieval Archaeology*, 306-291 : (2)45.
- Snead, J. E. (2008). War and Place: Landscapes of Conflict and Destruction in Prehistory. *Journal of Conflict Archaeology*, 4(1-2): 137-157.
- Woodward, R. (2014). Military landscapes: Agendas and approaches for future research. *Progress in Human Geography*, 38(1): 40-61.
- Flintham M. (2012). The military-pastoral complex: Contemporary representations of militarism in the landscape. *Tate Online Research Papers*, Issue 17. Available from: <http://www.tate.org.uk/research/publications/tate-papers/military-pastoral-complex-contemporary-representations-militarism> (Accessed 25 March 2016).
- Høglund J. (2008). Electronic empire: Orientalism revisited in the military shooter. *Games Studies*, 8(1). Available from: <http://gamestudies.org/0801/articles/hoeglund> (Accessed 25 March 2016).
- Philo C. (2012). Security of geography/geography of security. *Transactions of the Institute of British Geographers* (37): 1-7.
- Lisa, A. (2012). Inhabitat.com/Atelier-f. Transforms Old Swiss Military Bunker into a Vibrant GreenRoofed Cultural Center. Available from: <http://inhabitat.com/atelier-f-transforms-old-swiss-military-bunker-into-vibrant-green-roofed-cultural-center/atelier-f-recycled-military-building-angebauer-tarnrucksack-1/>, (Accessed 25 March 2016).
- گاستون، بوتول. (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی جنگ*. ترجمه هوشنگ فرخجسته. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- مظلوم خراسانی، محمد. (۱۳۸۹). انسان، اسلحه و جنگ. *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد* ۷(۱): ۲۱۱-۱۶۹.